

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ مارچ ۲۰۱۸

ریشه ها و عواقب درگیری بین "همایون همایون" و "نذیر احمدزی"

۲

پنجشنبه- ۲۶ حوت ۱۳۹۶ - کابل:

به ادامه گذشته:

۵- این حادثه نشاندهنده آن است که استعمار و عواملش در کارشان که ایجاد شقاق، نفاق و دشمنی است به موفقیت هائی دست یافته اند. موفقیت هائی که به ایجاد جنگ و درگیری بین اقوام مختلف محدود نمانده، در درون هر قومی آنقدر منفی نقش بازی نموده که تقریباً همه را در مقابل یک دیگر قرار داده است. چنانچه بین اقوام ازبیک با زیر سؤال بردن اتوریتة "دوستم" و سوراخ "ایشچی"، بین قوم هزاره گذشته از مسأله افراد متعلق به روشنائی، تشدید اختلاف بین "محقق" و "خلیلی- دانش"، در بین قوم تاجیک از "عطاء" گرفته تا "صالح، عبدالمود و..." و به همین سان بین قوم پشتون بین "غلجائی" ها و "درانی" ها.

ناگفته پیداست که این تضاد ها در صورت حدت یابی و با مداخلات تفرقه افکنانه استعمار می تواند به تقابل های خونین درون قومی و اقوام مختلف انجامیده، شماره معکوس طرح تجزیة افغانستان را بازتاب دهد.

۶- مصیبت دیگری را که درگیری بین افراد و محافظان "همایون همایون" و "نذیر احمدزی" نمایان ساخت، عدم موجودیت عرق ملی، میهنی و انسانی در بین برخی از افراد این قوم و یا آن قوم و منافع مجموع ملت را فدای منافع قومی و تباری خود نمودن است. چه وقتی کسی از درون قوم "غلجائی" پیدا شود و بدون آن که نقش های خاینانه و جنایتکارانه "داکتر نجیب" را در قبال میهن و مردم آن ببیند، و به همین سان بین اقوام تاجیک، ازبیک، هزاره و... صرف بر مبنای علایق خونی و تباری بخواهد به خون خواهی وی برخیزد، چنین طرز تفکری گذشته از آن که منتهای عقب ماندگی فکری چنان انسان هائی را می رساند، در ذات خود به نحوی حمایت از یک خاین و یک جنایتکار و در نتیجه شریک خیانت و جنایت می باشد.

۷- وقتی از این منظر مطرح می گردد در چنین کشور دم از ملت واحد زدن، خود را و تاریخ را مسخره کردن است. آخر چطور ممکن است یک انسان ادعای شرف و وجدان ملی داشته باشد، اما در عین زمان بر مبنای علایق خونی و تباری، خود را با قاتلان ملت و خاینان به کشور دارای هویت واحد احساس نموده، دم از خونخواهی آنها بزند.

۸- این درگیری نشان داد که وقتی جنایتکارانی چون "گلبدین" و یا هم وطنفروشانانی چون "غنی احمدزی" از سپردن مناطقی به طالب حرف می زنند، چگونه می اندیشند و کدام قسمت های خاک ما را می خواهند به طالب بدهند. برای این مینا طالب که عمدتاً نیروهایش متشکل از شاخه های قوم "درانی" است می توانند صاحب زابل، قندهار، هلمند، فراه و قسمت هایی از غزنی گردد، زیرا محل بودوباش "درانی" ها در همین مناطق است. چنین تقسیم و حاتم بخشی از جانب "گلبدین" که خود را "غلجائی" می داند، یکی از پلان های تجزیه افغانستان است که به اساس آن مناطق "غلجائی" نشین به پاکستان تعلق می گیرد.

۹- بر ما مردم این خطه لازم است تا هر یک به نوبه خود حساسیت های مسأله را درک نموده، ضمن افشای خیانتکاران و تجزیه طلبان تمام اقوام، از وحدت ملت و کشور ما چون مردمک چشم خویش حفاظت نمائیم.

دیده شود چه می شود!!